

فهرست

واژگان

بخش
۵/۵
تعداد

درس اول

۸۴ بستۀ ۱: معنی کلمات

۸۹ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۹۰ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۹۲ بستۀ ۴: جمع مکسر

۹۴ بستۀ ۵: انواع اسم

درس دوم

۹۶ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۰۲ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۰۳ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۰۴ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۰۶ بستۀ ۵: انواع اسم

درس سوم

۱۰۸ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۱۴ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۱۵ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۱۶ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۱۸ بستۀ ۵: انواع اسم

درس چهارم

۱۲۱ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۲۶ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۲۷ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۲۸ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۳۰ بستۀ ۵: انواع اسم

ترجمه فعل

بخش
۱
تعداد

۶ قسمت ۱: کادرهای آموزشی

۱۹ قسمت ۲: تمرین کتاب درسی

۲۳ قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی

ترجمه و درک مطلب

بخش
۹/۵
تعداد

درس اول

۲۶ بستۀ ۱: متن درس

۳۱ بستۀ ۲: إعلموا

۳۴ بستۀ ۳: تمرین

درس دوم

۳۹ بستۀ ۱: متن درس

۴۴ بستۀ ۲: إعلموا

۴۷ بستۀ ۳: تمرین

درس سوم

۵۳ بستۀ ۱: متن درس

۶۰ بستۀ ۲: إعلموا

۶۳ بستۀ ۳: تمرین

درس چهارم

۶۸ بستۀ ۱: متن درس

۷۴ بستۀ ۲: إعلموا

۷۶ بستۀ ۳: تمرین

پاسخ نامه تشریحی

۱۶۸	بخش ۱: ترجمه فعل
۱۶۹	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۱۸۲	بخش ۳: واژگان
۱۹۷	بخش ۴: قواعد
۲۰۱	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

امتحان نهایی

۲۰۸	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۱
۲۱۰	آزمون ۲: شهریور ماه ۱۴۰۱
۲۱۲	آزمون ۳: دی ماه ۱۴۰۱
۲۱۴	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۱۶	آزمون ۵: شهریور ماه ۱۴۰۲
۲۱۸	آزمون ۶: دی ماه ۱۴۰۲
۲۲۰	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۶

قواعد

درس اول	
۱۳۲	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۳۵	بسته ۲: (لا)ی نفی جنس
درس دوم	
۱۳۸	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۴۲	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۴۳	بسته ۱: ادات استثناء
۱۴۵	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۴۶	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۴۸	بسته ۲: نکات ترجمه

تحلیل صرفی و اعراب

۱۵۰	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۱۵۳	قسمت ۲: محل اعرابی
۱۵۷	قسمت ۳: سؤالات درس به درس

شب امتحان



نوبت دوم



نوبت اول

بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
نمره ۲	نمره ۹/۵	نمره ۵/۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۱/۷۵

ترجمه فعل



قسمت

کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

۱. عَلِمَ (دانست) ← عَلِمْتَ الْأَسْرَارَ. (دی ۱۴۰۲)
۲. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۳. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۴. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

إِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ:

۶. زُمْلَائِي فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

○ (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَرُوا ○ (۳) حَصَرْنَ
۷. شَبَابُنَا عَلِمَ إِبْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ. (خرداد ۱۴۰۲)

○ (۱) رَفَعُوا ○ (۲) رَفَعَتْ ○ (۳) رَفَعَ
۸. الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلِمَ إِبْرَانَ. (دی خارج ۱۴۰۰)

○ (۱) رَفَعَ ○ (۲) رَفَعَتْ ○ (۳) رَفَعَتِ
۹. نَحْنُ بَيْتاً جَمِيلاً مِنَ الْحَسَبِ. (خرداد ۹۸)

○ (۱) صَنَعْنَا ○ (۲) صَنَعْتُ ○ (۳) صَنَعُوا
۱۰. الطَّلَبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ (دی ۹۸)

○ (۱) نَجَحَتْ ○ (۲) نَجَحَ ○ (۳) نَجَحْنَ
۱۱. إِنَّا نَحْنُ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً. (دی خارج ۹۹)

○ (۱) نَزَّلْتُ ○ (۲) نَزَّلْنَا ○ (۳) نَزَّلُوا

پاسخ سؤالات

۱. دانستی
۲. نشست
۳. نامه‌نگاری کردند
۴. برید
۵. من کمک کردم
۶. گزینهٔ «۲»: «زُمْلَاءُ» جمع مکسر و مذکر عاقل است و فعل «حَصَرُوا» مناسب جای خالی است.
۷. گزینهٔ «۳»: «شَبَابٌ» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.

ماضی ساده



• فعلی است که بر انجام‌دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

◀ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناختِ آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغهٔ مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُمَا	أنتُمَا (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُمْ	أنتُمْ (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	نشستند
جَلَسْتَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	
جَلَسُوا	و	هُم (آن‌ها)	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ (آن‌ها)	

◀ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانهٔ مؤنث بودن فعل است. (جَلَسَتْ: نشست)

۱۵. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد)** ← **لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ.** (خرداد ۱۴۰۰)
۱۶. **صَرَبَ (زد)** ← **لَمْ يَصْرِبْنَ.** (دی خارج ۹۹)
۱۷. **صَلَّحَ (تعمیر کرد)** ← **هُوَ لَمْ يُصَلِّحْ جَرَارَتَهُ.** (شهریور ۱۴۰۱)
۱۸. **تَكَلَّمَ (سخن گفت)** ← **لَمْ يَتَكَلَّمَا.** (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۹. **سَاعَدَ (کمک کرد)** ← **هُم لَمْ يُسَاعِدُوا.** (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۰. **شَجَّعَ (تشویق کرد)** ← **لَمْ يُشَجِّعَنَّ.** (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۱. **أَجْلَسَ (نشاند)** ← **هُم لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.** (دی ۹۸)
۲۲. **أَرْسَلَ (فرستاد)** ← **لَمْ يُرْسِلُوا واجباتِهِم.** (خرداد ۱۴۰۱)
۲۳. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد)** ← **مَا تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ.** (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۲۴. **مَشَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ.** (دی ۹۷)
۲۵. **عَفَرَ (آمرزید)** ← **لَمْ يَعْفُرَ.** (آذر ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

۱. **نپريدِم (ما + فَفَرْتُ ← ما فَفَرْتُ (ماضي منفی))**
۲. **اجازه نداديم (لَمْ + نَسَمَحُ ← لَمْ نَسَمَحْ (ماضي منفی))**
۳. **تلاش نکرد (لَمْ + تَجْتَهَدُ ← لَمْ تَجْتَهَدْ (ماضي منفی))**
۴. **فرا نگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضي منفی))**
۵. **آمرزش نخواست (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← ما اسْتَعْفَرْتُ (ماضي منفی))**
۶. **یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ (ماضي منفی))**
۷. **به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ (ماضي منفی))**
۸. **نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضي منفی))**
۹. **ندید، مشاهده نکرد (لَمْ + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضي منفی))**
۱۰. **تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← ما اجْتَهَدْتُ (ماضي منفی))**
۱۱. **ندانستند (لَمْ + يَعْلَمُونَ ← لَمْ يَعْلَمُوا (ماضي منفی))**
۱۲. **یاد ندادید (ما + عَلَّمْتُمْ ← ما عَلَّمْتُمْ (ماضي منفی))**
۱۳. **کمک نکرد (لَمْ + يُسَاعِدُ ← لَمْ يُسَاعِدْ (ماضي منفی))**
۱۴. **نجات نداد (لَمْ + يُنْقِذُ ← لَمْ يُنْقِذْ (ماضي منفی))**
۱۵. **تلاش نکرد (لَمْ + يَجْتَهَدُ ← لَمْ يَجْتَهَدْ (ماضي منفی))**
۱۶. **نزدند (لَمْ + يَصْرِبْنَ ← لَمْ يَصْرِبْنَ (ماضي منفی))**
۱۷. **تعمیر نکرد (لَمْ + يُصَلِّحُ ← لَمْ يُصَلِّحْ (ماضي منفی))**
۱۸. **سخن نگفتند (لَمْ + يَتَكَلَّمَانِ ← لَمْ يَتَكَلَّمَا (ماضي منفی))**
۱۹. **کمک نکردند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا (ماضي منفی))**
۲۰. **تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعَنَّ ← لَمْ يُشَجِّعَنَّ (ماضي منفی))**
۲۱. **نشاندند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضي منفی))**
۲۲. **نفرستادند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضي منفی))**
۲۳. **به یاد نیاوردیم (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ (ماضي منفی))**
۲۴. **گزینه «۲»: مشاهده نکردم (ما + شاهَدْتُ ← ما شاهَدْتُ (ماضي منفی))**
۲۵. **نیامرزید (لَمْ + يَعْفُرُ ← لَمْ يَعْفُرْ (ماضي منفی))**

۸. گزینه «۳»: با توجه به «الفائِزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعْتُ» صحیح می باشد. (برندهٔ اول پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)
۹. گزینه «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغهٔ اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) می آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)
۱۰. گزینه «۱»: با توجه به «الطَّالِبَاتُ» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می آید. (دانش آموزان در امتحان موفق شدند.)
۱۱. گزینه «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

ماضي منفی

• فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود.

◀ رَجَعَ (بازگشت) منفی ← ما رَجَعْنَا (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

• فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می شود.

◀ لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

◀ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می کند، ولی «لَمْ» مخفف «لماذا» به معنای «چرا، برای چه» کلمهٔ پرسشی است.

لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؟	چرا می گوید آن چه را که انجام نمی دهید؟
«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»	آیا ندانست که خدا می بیند؟ ماضي منفی
لَمْ يَأْمُرْنَا بِأَجَابَتِهِمْ؟	چرا به تکالیفشان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیه:

۱. **فَفَرَّ (پرید) ← ما فَفَرْتُ مِنَ الطَّائِرَةِ.** (دی ۱۴۰۲)
۲. **سَمَحَ (اجازه داد) ← لَمْ نَسَمَحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا.** (دی ۱۴۰۲)
۳. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا.** (خرداد ۱۴۰۲)
۴. **تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الكَسْلَانِ لَمْ يَتَعَلَّمَا الدَّرْسَ.** (دی ۱۴۰۱)
۵. **اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← هي ما اسْتَعْفَرْتُ.** (شهریور ۹۹)
۶. **ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ مَا ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.** (شهریور ۱۴۰۰)
۷. **تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.** (دی ۱۴۰۰)
۸. **أَرْسَلَ (فرستاد) ← ما أَرْسَلْنَا.** (دی ۹۹)
۹. **شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئًا.** (خرداد ۹۹)
۱۰. **اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هي ما اجْتَهَدْتُ.** (خرداد ۹۹)
۱۱. **عَلِمَ (دانست) ← لَمْ يَعْلَمُوا شَأْنَ وَالِدِيهِمْ.** (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۲. **عَلَّمَ (یاد داد) ← ما عَلَّمْتُمْ.** (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۳. **سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لَمْ يُسَاعِدْ صَدِيقَهُ.** (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۴. **أَنْقَذَ (نجات داد) ← هُوَ لَمْ يُنْقِذْ شَخْصًا.** (خرداد خارج ۱۴۰۱)

ماضی نقلی

۱۰ تکرار

• به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.

• برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی ← قَدْ ذَهَبَ

قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

• فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته‌ام

• فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.

(پس یادتون باشه ترکیب «لَمْ + فعل مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۱ ندانستند (ماضی منفی)

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۲ ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)

۹. عمل کرده‌ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۰. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)

ماضی استمراری

۱۵ تکرار

• به فعلی گفته می‌شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.

می‌نوشتیم، می‌آمدند، می‌خوردید و ...

• فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل «كَانَ» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می‌شود.

كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

• فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می‌شود.

كَانَ يَعْلَمُ ترجمه می‌دانست

• به شکل‌های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	فعل مضارع	شکل‌های «كَانَ»
می‌رفت	يَذْهَبُ	۱. كَانَ +
	تَذْهَبُ	۲. كَانَتْ +
می‌رفتند	يَذْهَبَانِ	۳. كَانَا +
	تَذْهَبَانِ	۴. كَانْتَا +
	يَذْهَبُونَ	۵. كَانُوا +
	يَذْهَبْنَ	۶. كُنَّ +
می‌رفتی	تَذْهَبُ	۷. كُنْتُ +
	تَذْهَبِينَ	۸. كُنْتِ +
می‌رفتید	تَذْهَبَانِ	۹. كُنْتُمَا +
	تَذْهَبُونَ	۱۰. كُنْتُمْ +
	تَذْهَبْنَ	۱۱. كُنْتُنَّ +
می‌رفتم	أَذْهَبُ	۱۲. كُنْتُ +
می‌رفتیم	نَذْهَبُ	۱۳. كُنَّا +

• فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

لَيْتَ مُحَمَّدًا نَصَرَ صَدِيقَهُ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.

(البته در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

• فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

شَاهَدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

- عَفَرَ (آموزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (اذر ۱۴۰هـ - دی ۱۴۰۰)
- اِسْتَعْفَرَ (آموزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اِسْتَعْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
- عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
- اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ اِمْتَنَعْتُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جِدًّا. (دی ۹۸)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبِيرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

- آموزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
- آموزش خواسته‌اید (قَدْ + اِسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
- یاد داده‌ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
- سخن گفته‌ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
- به یاد آورده‌ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
- خودداری کرده است (قَدْ + اِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
- رفتار کرده‌ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)

ماضی
بعید

تکرار

- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته دور انجام شده است.
- ◀ نوشته بودم، خواننده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه‌های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه‌های فعل ماضی ساخته می‌شود.
- ◀ كَان + قَدْ + جَلَسَ ← كَان قَدْ جَلَسَ
- ◀ آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می‌آید.

كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می‌شود.
- ◀ كَان قَدْ كَتَبَ ترجمه ← نوشته بود.
- ◀ كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه ← نوشته بودیم.
- به شکل‌های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَان (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

◀ فعل ماضی در ساختار «لَیْتَ + فعل ماضی» را نیز می‌توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)

◀ لَیْتَ التَّلْمِیذِ اِبْتَعَدَ عَنِ الْكَسْلِ. ← کاش دانش‌آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می‌کرد.)

لَیْتَ + ماضی ← ماضی بعید
ماضی استمراری

◀ فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می‌شود.

◀ شَاهَدْتُ صَدِیقًا سَاعَدَنِي فِي الدَّرْسِ. ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی در درس‌ها کمک کرده بود. (کمک کرد)

ماضی بعید

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. جَلَسَ (نشست) ← كَان يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
۲. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۳. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ. (دی ۹۹)
۴. قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ. (شهریور ۹۸)
۵. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ. (خرداد ۹۹)
۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← كَان يَتَقَرَّبُ. (دی ۹۹)
۷. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُ أَعْلَمُ شَيْئًا. (خرداد ۱۴۰۲)
۸. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← كَانَا يُجَالِسَانِ الصَّالِحِينَ. (دی ۱۴۰۱)
۹. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ تَعْمَلُ. (دی ۱۴۰۰)
۱۱. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ كَان يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۲. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ. (شهریور ۱۴۰۰)
۱۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ حَيِّدًا. (شهریور ۹۹)
۱۴. لَبِثَ نَاصِرًا اِبْتَعَدَ عَنِ الْكَسْلِ. (خرداد ۹۸)

○ ۱) دوری کرده است

○ ۲) دوری می‌کرد

○ ۳) دوری خواهد کرد

۱۵. قَطَعَ (برید) ← كَانَا يَقْطَعَانِ الشَّجَرَةَ. (دی ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۲. می‌دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۳. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
۴. می‌بریدند (كانوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۵. تلاش می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۶. نزدیک می‌شد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
۷. می‌دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
۸. هم‌نشینی می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يُجَالِسَانِ» ← ماضی استمراری)
۹. سخن می‌گفتند (كانوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۰. عمل می‌کردی (كُنْتُ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۱. خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۱۲. تعمیر می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۳. رفتار می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۴. گزینه ۲: «دوری می‌کرد (لَبِثَ + فعل ماضی «اِبْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)
۱۵. می‌بریدند (كانا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

همان طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود؛ «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»
 < اَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می‌کنید؟
 مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. قَفَّرَ (پريد) ← البومَةُ وَ الحَفَّاشُ بِقَفِرَانٍ فِي اللَّيْلِ. (دی ۱۴۰۲)
۲. سَأَلَ (سؤال کرد) ← أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونِي؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُمْ يُرْسِلُونَ الحَبْرَ. (شهریور ۱۴۰۰)
۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← نَحْنُ نَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)
۵. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← أَشَاهِدُ. (شهریور ۹۸)
۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الحِرَابِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۷. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← «... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (شهریور ۱۴۰۱)
۸. خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقُونَ. (دی ۹۹)
۹. سَاعَدَ (کمک کن) ← تُسَاعِدِينَ أُمَّكَ فِي الطَّبْخِ. (خرداد ۱۴۰۲)
۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ يُسَاعِدُونَ الفُقَرَاءَ. (دی ۱۴۰۱)
۱۱. نَذَرَ (به یاد آورد) ← أَنَا أَنْذَرُ خِيَامَ الحَجَّاجِ. (دی ۱۴۰۱)
۱۲. جَلَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُنَّ يُجَالِسْنَ المُؤْمِنَاتِ. (دی ۱۴۰۱)

اِنتخب الفعل المناسب للفرغ:

۱۳. الحاجُّ سَبَحَ مَرَاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

○ ۱) تَطَوَّفَ ○ ۲) يَطُوفُونَ ○ ۳) يَطُوفُ
۱۴. الأنازُ القَدِيمَةُ اهْتِمَامَ الإنسانِ بِالدينِ. (خرداد ۱۴۰۲)

○ ۱) تَوَكَّدَ ○ ۲) يُوَكِّدُونَ ○ ۳) يُوَكِّدُ
۱۵. الفلَّاحُونَ المَحَاصِلَ فِي المَزَارِعِ. (دی ۱۴۰۰)

○ ۱) يَجْمَعُ ○ ۲) يَجْمَعُونَ ○ ۳) يَجْمَعْنَ
۱۶. المُنْتَفِرُونَ فَرِيقَهُمُ الفَائِرَ فَرِحِينَ. (دی ۱۴۰۰)

○ ۱) يُشَجِّعُونَ ○ ۲) يُشَجِّعْنَ ○ ۳) يُشَجِّعُ
۱۷. الأَصْدِقَاءُ عَلَى أَنفُسِهِمْ. (خرداد ۹۸)

○ ۱) تَعْتَمِدُونَ ○ ۲) يَعْتَمِدُونَ ○ ۳) يَعْتَمِدْنَ
۱۸. اللَّهُ الدُّنُوبَ إِلَّا السَّرَّكَ بِاللَّهِ. (شهریور ۹۸)

○ ۱) تَعْفِرُ ○ ۲) يَعْفِرُ ○ ۳) نَعْفِرُ
۱۹. العَمَالُ المُجْتَهِدُونَ فِي المَصْنَعِ. (شهریور ۹۸)

○ ۱) يَشْتَغَلُونَ ○ ۲) تَشْتَغَلُونَ ○ ۳) يَشْتَغَلْنَ
۲۰. كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الأَدَبُ. (دی ۹۸)

○ ۱) تَرَحُّصٌ ○ ۲) يَرِحُّصٌ ○ ۳) نَرِحُّصٌ

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. اسْتَمَعَ (گوش داد) ← الولدُ كَانَ قَدْ اسْتَمَعَ نَصِيحَةَ أَبِيهِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
 ۲. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
 ۳. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
 ۴. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. (شهریور ۹۹)
 ۵. رَخَّصَ (ارزان شد) ← أشْعَارُ البَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ. (خرداد ۱۴۰۱)
 ۶. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد ۱۴۰۰)
 ۷. تَكَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور ۹۸)
- گوش فرا داده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (اسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
 نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
 خودداری کرده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
 بازنشسته شده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
 ارزان شده بود (كانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
 قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
 نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَيْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

پاسخ سؤالات

۱. گوش فرا داده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (اسْتَمَعَ) ← ماضی بعید)
۲. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۳. خودداری کرده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۴. بازنشسته شده بود (كانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
۵. ارزان شده بود (كانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
۶. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۷. نامه‌نگاری کرده بودند، نامه‌نگاری می‌کردند (لَيْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

مضارع ساده

تکرار ۲۰

فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند.
 < يَنْصُرُ (یاری می‌کند)، تَرْجِعَانِ (باز می‌گردند، باز می‌گردید)، يُدَافِعُونَ (دفاع می‌کنند) و ...
 در جدول زیر به شناسه‌های فعل مضارع و ضمایر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسُ	ندارد	أنا (من)	می‌نشینم
تَجْلِسُ		أنت (تو)	می‌نشینی
تَجْلِسِينَ	يَنَّ	أنتِ (تو)	می‌نشیند
يَجْلِسُ	ندارد	هُوَ (او)	می‌نشینم
تَجْلِسُ		هِيَ (او)	می‌نشینم
نَجْلِسُ	ندارد	نَحْنُ (ما)	می‌نشینم
تَجْلِسَانِ	انِ	أنتُما (شما)	می‌نشیند
تَجْلِسُونَ	وَنَّ	أنتُم (شما)	
تَجْلِسْنَ	نَنَّ	أنتُنَّ (شما)	
يَجْلِسَانِ	انِ	هُمَا (آن دو)	می‌نشیند
تَجْلِسَانِ		هُم (ایشان)	
يَجْلِسُونَ		هُنَّ (ایشان)	

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می شود.

لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می شود.

لِمَ لا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ترجمه ← چرا درست را نمی نویسی؟

مضارع منفی

لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَمِيلِي. ترجمه ← تو را به یاد نمی آورم ای هم کلاسی ام.

مضارع منفی

مضارع منفی

۱۳

تکرار

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. عَلِمَ (دانست) ← لا تَعْلَمُونَ الدُّرُوسَ الْماضِيَةَ. (دی ۱۴۰۲)
۲. هُمْ لا يَسْتَعْفِرُونَ. (شهریور ۹۹)
۳. عَلِمَ (یاد داد) ← لا يُعْلَمُونَ. (دی خارج ۹۹)
۴. قَطَعَ (برید) ← لا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)
۵. أَجْلَسَ (نشانید) ← لِمَاذَا لا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟ (دی ۹۸)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا يَمْتَنِعُونَ. (خرداد ۹۹)
۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدْتِي لا تَتَذَكَّرُ شَيْئًا. (دی خارج ۱۴۰۱)
۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَمِيلِي. (خرداد خارج ۹۸)
۹. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا يَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۰. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا يَعْْبُدُ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۱. عَفَرَ (آمرزد) ← لا يَعْفِرُونَ. (دی خارج ۹۸)
۱۲. سَجَّعَ (تشویق کرد) ← لا تُسَجِّعِينَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۳. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتَ لا تَتَقَاعَدُ. (شهریور ۹۹)

۱. نمی دانید (لا + فعل مضارع (تَعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
 ۲. آمرزش نمی خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
 ۳. یاد نمی دهند (لا + فعل مضارع (يُعْلَمُونَ) ← مضارع منفی)
 ۴. نمی بریم (لا + فعل مضارع (نَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
 ۵. نمی نشانی (لا + فعل مضارع (تُجْلِسِينَ) ← مضارع منفی)
 ۶. خودداری نمی کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)
 ۷. به یاد نمی آورَد (لا + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)
 ۸. تو را به یاد نمی آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُكَ) ← مضارع منفی)
 ۹. سخن نمی گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)
 ۱۰. عبادت نمی کند (لا + فعل مضارع (يَعْْبُدُ) ← مضارع منفی)
 ۱۱. نمی آمرزند (لا + فعل مضارع (يَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
 ۱۲. تشویق نمی کنی (لا + فعل مضارع (تُسَجِّعِينَ) ← مضارع منفی)
 ۱۳. بازنشسته نمی شوی (لا + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُ) ← مضارع منفی)
۱. می پزند (مضارع اخباری)
 ۲. سؤال می کنید (مضارع اخباری)
 ۳. می فرستند (مضارع اخباری)
 ۴. بازنشسته می شویم (مضارع اخباری)
 ۵. مشاهده می کنم (مضارع اخباری)
 ۶. نزدیک می شوند (مضارع اخباری)
 ۷. یاری می جویم (مضارع اخباری)
 ۸. می آفرینند (مضارع اخباری)
 ۹. کمک می کنی (مضارع اخباری)
 ۱۰. کمک می کنند (مضارع اخباری)
 ۱۱. به یاد می آورم (مضارع اخباری)
 ۱۲. هم نشینی می کنند (مضارع اخباری)
 ۱۳. گزینۀ «۳»: يَطُوفُ «الحاج» مفرد مذکر است و جمله بر «غایب» دلالت دارد، بنابراین فعل در صیغۀ مفرد مذکر غایب مناسب جای خالی است. ترجمۀ عبارت ← حج گزار هفت بار دور خانۀ خدا طواف می کند.
 ۱۴. گزینۀ «۱»: تُؤَكِّدُ (با توجه به «الأثَارُ» که بر جمع مکسر غیرعقل دلالت دارد، فعل در صیغۀ مفرد مؤنث می آید.) ترجمۀ عبارت ← آثار قدیمی بر توجّه انسان به دین تأکید می کند.
 ۱۵. گزینۀ «۲»: يَجْمَعُونَ «الفلاحون» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می آید. ← ترجمۀ عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه ها جمع می کنند.
 ۱۶. گزینۀ «۱»: يُسَجِّعُونَ «المنتفرون» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می آید. ← ترجمۀ عبارت: تماشاگران تیم برنده شان را با شادی تشویق می کنند.
 ۱۷. گزینۀ «۲»: يَعْتَمِدُونَ (با توجّه به «الأصدقاء» که جمع مذکر است و نیز ضمیر «هَم» فعل «يَعْتَمِدُونَ» مناسب جای خالی است) ← ترجمۀ عبارت: دوستان بر خودشان تکیه می کنند.
 ۱۸. گزینۀ «۲»: يُعْفِرُ (با توجّه به کلمۀ «الله» فعل «يُعْفِرُ» در صیغه مفرد مذکر مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت ← خداوند به جز شرک به خدا، گناهان را می بخشد.
 ۱۹. گزینۀ «۱»: يَسْتَعْلِمُونَ (با توجّه به «العَمَال» که جمع مکسر است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْلِمُونَ» مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت ← کارگران تلاشگر در کارخانه کار می کنند.
 ۲۰. گزینۀ «۲»: يَرْحُصُ «كُلُّ شَيْءٍ» بر مفرد مذکر دلالت دارد. بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ترجمۀ عبارت ← هر چیزی ارزان می شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.

پاسخ سؤالات

۱. اجازه نده (لا + تَسْمَحِينَ ← لا تَسْمَحِي (نهی))
۲. منع نکنید (لا + تَمْنَعُونَ ← لا تَمْنَعُوا (نهی))
۳. هم‌نشینی نکنید (لا + تُجَالِسُونَ ← لا تُجَالِسُوا (نهی))
۴. خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))
۵. یاد نکن (لا + تَذَكِّرُ ← لا تَذَكَّرْ (نهی))
۶. نفرستید (لا + تُرْسِلُونَ ← لا تُرْسِلُوا (نهی))
۷. نزدیک نشوید (لا + تَتَقَرَّبُونَ ← لا تَتَقَرَّبُوا (نهی))
۸. کمک نکن (لا + تُسَاعِدِينَ ← لا تُسَاعِدِي (نهی))
۹. جابه‌جا نشوید (لا + تَنْتَقِلُونَ ← لا تَنْتَقِلُوا (نهی))
۱۰. سخن نگویند (لا + تَتَكَلَّمُونَ ← لا تَتَكَلَّمُوا (نهی))
۱۱. نفرست (لا + تُرْسِلُ ← لا تُرْسِلْ (نهی))
۱۲. یاری نجوید (لا + تَسْتَعِينُونَ ← لا تَسْتَعِينُوا (نهی))
۱۳. رفتار نکن (لا + تُعَامِلُ ← لا تُعَامِلْ (نهی))
۱۴. گزینه «۱»: سست نشوید (لا + تَهْنُونَ ← لا تَهْنُوا (نهی))
۱۵. نبرید (لا + تَقْطَعُونَ ← لا تَقْطَعُوا (نهی))

نهی

۱۵

تکرار

• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.
 نپرس، نگویند، نروید و ...
 • برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرشش صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

- لا + تَسْأَلُ **نهی** ← لا تَسْأَلْ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)
- لا + تَسْأَلَانِ **نهی** ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)
- لا + تَسْأَلْنَ **نهی** ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف همیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← نهی

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. **ترجمه** از خانه بیرون نرو.
 فعل نهی

لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. **ترجمه** در کتابخانه سخن نگویند.
 فعل نهی

مستقبل

• به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «س / سوف» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

س / سوف + فعل مضارع ← مستقبل

• در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می‌کنیم.
 سَيَخْرُجُ **ترجمه** خارج خواهد شد.

سَوْفَ نَزُجُ **ترجمه** باز خواهیم گشت.

• فعل مستقبل با آمدن حرف «لن» بر سر فعل مضارع، منفی می‌شود.

لَنْ أَجْلِسَ ← لَنْ أَجْلِسْ

لَنْ + فعل مضارع ← مستقبل منفی

• در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواه...» استفاده می‌کنیم.

لَنْ تَذْهَبَ **ترجمه** نخواهی رفت، نخواهد رفت

لَنْ تَعْلَمُوا **ترجمه** نخواهید دانست

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← سَيَلْعَبُ الْفَرِيقَانِ. (دی ۱۴۰۲)
۲. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (دی ۱۴۰۱)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هُمْ سَوْفَ يَجْلِسُونَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرُنَّ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۷. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← سَيَنْتَقِلُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
۸. تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← أَنْتُمْ سَتَتَقَاعَدُونَ. (شهریور ۹۹)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. سَمَحَ (اجازه داد) ← لا تَسْمَحِي الْخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۲)
۲. مَنَعَ (منع کرد) ← لا تَمْنَعُونَا عَنِ الْخُرُوجِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۳. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← يَا رَجَالُ لَا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ. (خرداد ۹۸)
۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعُوا. (خرداد ۹۹)
۵. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذَكَّرْ. (دی ۹۷)
۶. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۹۹)
۷. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لا تَتَقَرَّبُوا. (دی ۹۹)
۸. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتِ لَا تُسَاعِدِي. (شهریور ۹۹)
۹. انْتَقَلَ (جابه‌جا شد) ← رَجَاءٌ لَا تَنْتَقِلُوا. (شهریور خارج ۹۸)
۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ رِسَالَةً. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۲. اسْتَعَانَ (یاری جست) ← لا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ. (شهریور ۱۴۰۱)
۱۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لَا تُعَامِلْ بَعْدَلِكْ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۸)
۱۴. «و لا تَهْنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»
 ۱) سست نشوید
 ۲) سست نمی‌شوید
 ۳) نباید سست شوید
 ۱۵. قَطَعَ (برید) ← لا تَقْطَعُوا صِدَاقَتَكُمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)

۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۰. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَتَدَكَّرُ الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۰)
۱۱. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۲. تَدَكَّرَ (به یاد آوردن) ← سَيَتَدَكَّرَانِ ذِكْرِيَاثٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۱۳. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← الْحَجَّاجُ سَيَتَدَكَّرُونَ ذِكْرِيَاثِهِمْ. (دی خارج ۱۴۰۱)
۱۴. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِي لَنْ يَتَدَكَّرَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۵. رَحُصَ (ارزان شد) ← الْأَدَبُ لَنْ يَرُحُصَ إِذَا كَثُرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۶. أُرْسِلَ (فرستاد) ← لَنْ تُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۷. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَنْ يَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۸. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۹. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۲۰. تَكَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ. (شهریور خارج ۹۹)
۲۱. اِنْتَقَلَ (جابه جا شد) ← لَنْ يَنْتَقِلَ. (دی خارج ۹۸)
۲۲. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← لَنْ تَنْقَرِبَ إِلَى الذَّنْبِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۳. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ يَنْجَحُ. (شهریور ۹۸)
۲۴. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۲۵. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)
۲۶. تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. (خرداد ۱۴۰۱)
۱۵. ارزان نخواهد شد (لَنْ يَرُحُصَ) ← لَنْ يَرُحُصَ (مستقبل منفی)
۱۶. نخواهد فرستاد (لَنْ تُرْسِلُوا) ← لَنْ تُرْسِلُوا (مستقبل منفی)
۱۷. تلاش نخواهد کرد، تلاش نخواهی کرد (لَنْ يَجْتَهِدَ) ← لَنْ تَجْتَهِدَ (مستقبل منفی)
۱۸. عبادت خواهند کرد (س + فعل مضارع (يَعْبُدُونَ) ← (مستقبل)
۱۹. کمک نخواهند کرد (لَنْ يُسَاعِدُوا) ← لَنْ يُسَاعِدُوا (مستقبل منفی)
۲۰. نامه نگاری نخواهد کرد (لَنْ يَتَكَاتَبَ) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ (مستقبل منفی)
۲۱. جابه جا نخواهد شد (لَنْ يَنْتَقِلَ) ← لَنْ يَنْتَقِلَ (مستقبل منفی)
۲۲. نزدیک نخواهیم شد (لَنْ تَنْقَرِبَ) ← لَنْ تَنْقَرِبَ (مستقبل منفی)
۲۳. موفق خواهد شد (سَوْفَ) + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← (مستقبل)
۲۴. مشاهده نخواهد کرد (لَنْ يُشَاهِدَ) ← لَنْ يُشَاهِدَ (مستقبل منفی)
۲۵. یاد نخواهد داد (لَنْ يَتَكَاتَبَ) ← لَنْ يَتَكَاتَبَ (مستقبل منفی)
۲۶. نزدیک خواهد شد (س + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← (مستقبل)

پاسخ سؤالات

۱. بازی خواهند کرد (س + فعل مضارع (يَلْعَبُ) ← (مستقبل)
۲. کمک خواهد کرد (س + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← (مستقبل)
۳. خواهند نشست (سَوْفَ) + فعل مضارع (يَجْلِسُونَ) ← (مستقبل)
۴. هم نشینی نخواهد کرد (لَنْ) + فعل مضارع (يُجَالِسُ) ← لَنْ يُجَالِسَ ← (مستقبل منفی)
۵. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ) + فعل مضارع (يَتَدَكَّرُونَ) ← (مستقبل)
۶. کمک نخواهم کرد (لَنْ) + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← لَنْ أُسَاعِدَ ← (مستقبل منفی)
۷. جابه جا خواهند شد (س + فعل مضارع (يَنْتَقِلُونَ) ← (مستقبل)
۸. بازنشسته خواهید شد (س + فعل مضارع (تَتَقَاعَدُونَ) ← (مستقبل)
۹. خودداری نخواهیم کرد (لَنْ) + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ ← (مستقبل منفی)
۱۰. به یاد خواهیم آورد (س + فعل مضارع (تَدَكَّرُ) ← (مستقبل)
۱۱. تلاش نخواهند کرد (لَنْ) + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ) ← لَنْ يَجْتَهِدُوا ← (مستقبل منفی)
۱۲. به یاد خواهند آورد (س + فعل مضارع (يَتَدَكَّرَانِ) ← (مستقبل)
۱۳. به یاد خواهند آورد (س + فعل مضارع (يَتَدَكَّرُونَ) ← (مستقبل)
۱۴. به یاد نخواهد آورد (لَنْ) + فعل مضارع (يَتَدَكَّرُ) ← لَنْ يَتَدَكَّرَ ← (مستقبل منفی)

مضارع التزامی ۱۴ تکرار

- فعلی است که بروقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.
- در زبان عربی فعل هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می شوند. (ب + بن فعل + شناسه ← بِرَوْمٍ، بِرَوَى، بِرُودٍ و ...)

① أَنْ (که) / كَيْ، لَيْ، لَيْكِي، حَتَّى (تا، برای این که)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. مضارع التزامی	أَتَصَلَّ بِصَدِيقِهِ لِكِي يُصَلِّحَ سَيَّارَتَهُمْ. لِكِي + يُصَلِّحَ
پیامبران را بر آنان فرستاد تا راه درست و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی	أُرْسِلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ لِ + يُبَيِّنُونَ ← لِيُبَيِّنُوا الْمُسْتَقِيمِ وَ الدِّينِ الْحَقِّ.

② إِنْ (اگر)، مَن (هرکس)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنان چه)

+ فعل ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط میشه به اسلوب شرط (جمله های شرطی) که فعل شرط طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط مضارع اخباری ترجمه میشه.

۱۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
 ۱۲. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذْكُرُ. (دی ۹۷)
 ۱۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۱۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ تَمْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱)

پاسخ سوالات

۱. نباید بازی کند (لا (نهی) + فعل غایب (يَلْعَبُ) ← لا يَلْعَبُ ← مضارع التزامی منفی)
 ۲. سخن بگویم (أَنْ + فعل مضارع (أَتَكَلِّمُ) ← أَنْ أَتَكَلِّمُ ← مضارع التزامی)
 ۳. باید گرمی بداریم (إِ (امر) + فعل متکلم (تُكْرِمُ) ← لِنُكْرِمُ ← مضارع التزامی)
 ۴. نباید بنویسند (لا (نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لا يَكْتُبُوا ← مضارع التزامی منفی)
 ۵. سخن بگوید («مَنْ: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
 ۶. آمرزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَغْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)
 ۷. باید رفتار کنیم (إِ (امر) + فعل متکلم (لِنُعَامِلُ) ← مضارع التزامی)
 ۸. نباید به یاد آورند
 (لا (نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لا يَتَذَكَّرَا ← مضارع التزامی منفی)
 ۹. باید تلاش کنیم (إِ (امر) + فعل متکلم (تَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدُ ← مضارع التزامی)
 ۱۰. تا کمک کند (لِكَيْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِكَيْ يُسَاعِدَ ← مضارع التزامی)
 ۱۱. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)
 ۱۲. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← مضارع التزامی)
 ۱۳. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی)
 ۱۴. خودداری کنیم (أَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← أَنْ تَمْتَنَعَ ← مضارع التزامی)

هرگاه خداوند نابودی مورچه را بخواهد، برایش دو بال می‌رواند. مضارع اخباری	إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّمْلَةِ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَيْنِ. ادات فعل شرط (ماضی) / جواب شرط (ماضی) مضارع التزامی
اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع اخباری	﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ ادات فعل شرط / جواب شرط مضارع اخباری

۱۳. (امر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی
 ﴿إِ + يُرْسِلُ ← لِيُرْسِلَ (باید بفرستد)
 ﴿إِ + نَنْتَقِمُ ← لِنَنْتَقِمَ (باید انتقام بگیریم)
 گاهی حروف ربطی مانند «و، فَ، ثُمَّ» قبل از «لِ» می‌آیند و آن را [لام امر] ساکن می‌کنند.

و باید یاد کنیم.	وَلْتَذَكَّرْ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. لِ + فعل متکلم مع الغیر (إِ (لِ) به خاطر (و) ساکن شده است.)
------------------	---

۱۴. (لا (نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی
 ﴿لَا + يَنْتَقِلُ ← لا يَنْتَقِلُ (نبايد جابه‌جا شود)
 ﴿لَا + يَذْهَبُوا ← لا يَذْهَبُوا (نبايد بروند)

۱۵. لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

+ فعل مضارع ← مضارع التزامی

ای کاش قوم من بدانند.	﴿لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾
شاید آن‌ها خردورزی کنند.	﴿... لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

۱۶. مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)

به دانش‌آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد)	أَفْتَحِرْ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي مَضَارِعِ اِكْتِسَابِ الْفَضَائِلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ. مضارع / مضارع
---	---

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. لَعِبَ (بازی کرد) ← لا يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الشَّارِعِ. (دی ۱۴۰۲)
 ۲. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← أَحَبُّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. (شهرریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
 ۳. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← لِنُكْرِمَ وَالِدَيْنَا. (خرداد ۱۴۰۲)
 ۴. كَتَبَ (نوشت) ← الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (دی ۱۴۰۱)
 ۵. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمُ فِي الْإِمْتِحَانِ يَخْسِرُ. (خرداد ۹۸)
 ۶. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
 ۷. يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
 ۸. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا يَتَذَكَّرَا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدُ. (خرداد ۹۹)
 ۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكَيْ يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)

هرگاه حرف «قَدْ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَدْ + مضارع ← گاهی / شاید

تکرار

قَدْ + أَلْعَبُ ترجمه ← گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم

در ترجمه فعل مضارع همراه با «قَدْ» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَدْ أَذْهَبَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِيَجُوهَا الْمُعْتَدِلِ.	گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.
	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.

یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. اگه ضمه بود همیشه ضمه (ـُ) و اگر کسره بود همون (ـِ) ولی اگه فتحه بود همیشه (ـِ) (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «إفعال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل میشه. پس همزه فعل امر در باب «إفعال» همیشه مفتوح (ـَ) هست.

«... اِزْجِي إِلَى رَبِّكَ ...» (فعل امر از «تَرَجَعِينَ»)	به سوی پروردگارت بازگرد.
«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)	و از بردباری و نماز یاری بجوید.

به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «إستفعال»، «إنفعال»، «إفعلال» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم.)

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
إستفعال	إسْتَعْفَرَ (خواست)	يَسْتَعْفِرُ (می خواهد)	إسْتِغْفَار (خواستن)	اسْتَعْفِرْ (بخواه)
إففعال	إمْتَنَعَ (کرد)	يَمْتَنِعُ (می کند)	إمْتِنَاع (خودداری)	امْتَنِعْ (کن)
إنفعال	عَقِبَ نَشِينِي (کرد)	يُعَقِّبُنِي (می کند)	عَقْبُ نَشِينِي (عقب نشینی)	عَقِبْ نَشِينِي (کن)
إفعلال	أَجْلَسَ (نشانید)	يُجْلِسُ (می نشانند)	إِجْلَاس (نشانیدن)	أَجْلِسْ (بنشان)

به فعل های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـَ) و در امر، کسره (ـِ) است.

من فَضِّلْكُمْ إِجْتَهِدُوا. (فعل امر از «تَجْتَهِدُونَ»)	(خرداد ۱۴۰۰) لطفاً تلاش کنید.
--	----------------------------------

«إجتهدوا» فعل امر (حرکت عین الفعل «کسره» هست.) و از باب «إففعال» است و نباید آن را با ماضی «إجتهدوا» اشتباه بگیرید.

حالا به ساخت فعل امر باب های «مفاعلة»، «تفاعل»، «تفعیل»، «تفعلل» دقت کنید. هنگام امر این فعل ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می کنیم به راحتی می توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.

تُجَاهِدُ امْرَأَةً جَاهِدْ (مبارزه کن)	تُعَلِّمُونَ امْرَأَةً عَلِّمُوا (یاد دهید)
---	---

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الطَّلَابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۲)
 ۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
 ۳. كَاتَبَ: (نامه نگاری کرد) ← قَدْ يُكَاتِبُ. (دی خراج ۹۹)
 ۴. سَاعَدَ (کمک کن) ← قَدِيْسَاعِدُنَ وَالِدِيَهِنَّ. (خرداد خراج ۱۴۰۲)
 ۵. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَدْ يَذْكُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ. (دی خراج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)
 ۶. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَدْ يَجْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)
 ۷. قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خراج ۹۸)
- (۱) یاد کرده است
○ (۲) گاهی یاد خواهد کرد
○ (۳) گاهی یاد می کند
۸. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَدْ يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خراج ۱۴۰۱)
 ۹. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← قَدْ يُشَجِّعُ. (خرداد خراج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. گاهی تلاش می کنند، شاید تلاش کنند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ))
۲. گاهی یاد می گیرند، شاید یاد بگیرند (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
۳. گاهی نامه نگاری می کند، شاید نامه نگاری کند (قَدْ + فعل مضارع (يُكَاتِبُ))
۴. گاهی کمک می کنند، شاید کمک کنند (قَدْ + فعل مضارع (يُسَاعِدُنَ))
۵. گاهی یاد می کند، شاید یاد کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
۶. گاهی تلاش می کند، شاید تلاش کند (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ))
۷. گزینه «۳»: گاهی یاد می کند (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ))
۸. گاهی سخن می گوید، شاید سخن بگوید (قَدْ + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
۹. گاهی تشویق می کند، شاید تشویق کند (قَدْ + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))

● فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می دهیم.

◀ إجلِسْ: بنشین / اُدْخُلُوا: داخل شوید / اُزْبِلَا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می آوریم و سپس فعل های دارای «ت» در انتهای فعل به ساکن و فعل هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف میشه به جز نون جمع مؤنث، (دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل های ثلاثی مزید در باب های «إستفعال»، «إففعال»، «إنفعال» هست.)



به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ، تَفَعَّلٌ» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَةٌ	تَفَاعُلٌ	تَفَعُّلٌ	تَفَعَّلٌ
ماضی	كَاتَبَ (نامه نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	تَعَلَّمَ (یاد داد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه نگاری می کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می شود)	يُعَلِّمُ (یاد می دهد)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می آورد)
مصدر	كُتِبَ (نامه نگاری کردن)	تَقَاعُدٌ (بازنشسته شدن)	تَعْلِيمٌ (یاد دادن)	تَذَكُّرٌ (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه نگاری کن)	تَقَاعِدْ (بازنشسته شو)	عَلِّمْ (یاد بده)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	ماضی را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

۱۷. **إِمْتَنَعَ** (خودداری کرد) ← **مِنْ فَضْلِكَ، إِمْتَنَعَ عَنِ الْأَكْلِ**. (خرداد ۱۴۰۱)
 ۱۸. **إِسْتَعَانَ** (باری جست) ← **«وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»** (شهریور ۱۴۰۱)
 ۱۹. **عَمِلَ** (عمل کرد) ← **إِعْمَلُوا**. (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۲۰. **ذَكَرَ** (یاد کرد) ← **أَذْكُرُوا رَبَّكُمْ**. (دی خارج ۱۴۰۰)
 ۲۱. **إِجْتَهَدَ** (تلاش کرد) ← **مِنْ فَضْلِكُمْ إِجْتَهَدُوا**. (خرداد ۱۴۰۰)

پاسخ سوالات

۱. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (دقت کنید فعل «تَكَلَّمُوا: سخن گفتند» می تواند ماضی هم باشد اما در این جا با توجه به کلمه «رَجَاءً» به معنای «لطفاً» که بر درخواست کار دلالت دارد، ترجمه فعل به صورت امر درست است.)
 ۲. «أَكْرَمُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالٌ» و به معنای «گرامی بدارید» است. («أَكْرَمُوا»: گرامی داشتند، فعل ماضی است.)
 ۳. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعَّلٌ» است. (دقت کنید «تَعَلَّمُوا» می تونه ماضی هم باشه (: فراگرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری را می دهد، این فعل در معنای امر است.)
 ۴. «إِنْتَقَلُوا: جابه جا شوید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد). و نباید آن را با «إِنْتَقَلُوا: جابه جا شدند» که ماضی است، اشتباه گرفت.
 ۵. «اسْتَعْفَرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَعْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.
 ۶. «كَاتَبُوا: نامه نگاری کردند» فعل ماضی است (عین الفعل آن فتحه دارد) و نباید آن را با فعل امر «كَاتَبُوا: نامه نگاری کنید» اشتباه گرفت.
 ۷. «قَيَّدُوا: به بند آورید» فعل امر از باب «تَفَعُّلٌ» است. (قَيَّدُوا: به بند آوردند، فعل ماضی است.)
 ۸. «شاهدوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شاهدوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.
 ۹. «الإِجْتِهَادُ» مصدر باب «إِفْتِعَالٌ» و به معنای «تلاش کردن» است.
 ۱۰. «الإِمْتِنَاعُ» مصدر باب «إِفْتِعَالٌ» و به معنای «خودداری کردن» است.
 ۱۱. «المُعَامَلَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «رفتار کردن» است.
 ۱۲. «سَاعَدَ: کمک کن» فعل امر است.
 ۱۳. «مُجَالَسَةُ» مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» و به معنای «هم نشینی کردن» است.
 ۱۴. «أُرْسِلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالٌ» و به معنای «بفرستید» است. (أُرْسِلُوا: فرستادند، فعل ماضی است.)
 ۱۵. «أُرْسِلْ» فعل امر از باب «إِفْعَالٌ» به معنای «بفرست» است.
 ۱۶. «أُنْقِذُوا» فعل امر از باب «إِفْعَالٌ» به معنای «نجات دهید» است. (أُنْقِذُوا: نجات دادند، ماضی است.)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← رَجَاءً، تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
 ۲. أَكْرَمَ (گرامی داشت) ← أَكْرِمُوا الشُّهَدَاءَ. (خرداد ۱۴۰۲)
 ۳. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجَاءً تَعَلَّمُوا العَرَبِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
 ۴. يَا رِجَالُ، رَجَاءً إِنْتَقِلُوا. (دی ۹۸)
 ۵. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَعْفِرُوا لِدُنُوبِكُمْ. (خرداد ۹۸)
 ۶. كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
 ۷. قَيَّدُوا العِلْمَ بِالْكِتَابَةِ. (خرداد ۹۹)
 ۸. شَاهَدَ (دید) ← رَجَاءً شَاهَدُوا. (خرداد ۹۹)
 ۹. إِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الإِجْتِهَادَ. (خرداد ۹۹)
 ۱۰. إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الإِمْتِنَاعَ. (خرداد ۹۹ - آذر ۱۴۰۱)
 ۱۱. عَامَلَ (رفتار کرد) ← المُعَامَلَةَ. (شهریور ۹۹)
 ۱۲. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءً، سَاعِدْنِي. (دی خارج ۱۴۰۱)
 ۱۳. جَالَسَ (هم نشینی کرد) ← مُجَالَسَةَ الصَّالِحِينَ مُفِيدَةً. (دی خارج ۱۴۰۱)
 ۱۴. أُرْسِلَ (فرستاد) ← أُرْسِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
 ۱۵. أُرْسِلَ (فرستاد) ← أُرْسِلْ. (دی ۹۹)
 ۱۶. أُنْقِذَ (نجات داد) ← رَجَاءً أُنْقِذُوا الطِّفْلَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

۳. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۴. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب (يَتَذَكَّرُ) ← لِيَتَذَكَّرُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۵. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۶. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَمْتَنِعُ) ← لِنَمْتَنِعُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۷. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب (يُنَجِّحُ) ← لِيُنَجِّحُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۸. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۹. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

۱۷. «إِمْتَنِعْ» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» و به معنای «خودداری کن» است.
۱۸. «اسْتَعِينُوا» فعل امر از باب «اسْتِفْعَال» و به معنای «یاری بجوید» است.
۱۹. «اعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.
۲۰. «ادْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.
۲۱. «اجْتهدوا» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» و به معنای «تلاش کنید» است. («اجْتهدوا: تلاش کردند، ماضی است.»)



ساخت فعل امر از صیغه‌های غایب و متکلم:

- حرف (ل: باید) بر سر فعل‌های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می‌رود. (دقت کنید که «ل» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می‌کند و نون دارها، نونشون حذف می‌شود به جز نون جمع مؤنث.)
- ◀ لِيُجْعَ ← باید برگردد (ل + فعل مضارع غایب)
- ◀ لِأَيِّحُ ← باید جست‌وجو کنیم (ل + فعل مضارع متکلم)
- ◀ این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می‌شود:

باید + مضارع التزامی

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. اسْتَمَعَ (گوش فرا داد) ← لِيَسْتَمِعَ كُلُّ طَالِبٍ إِلَى كَلَامِ مُعَلِّمِهِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۲. يُعَامِلُ (رفتار می‌کند) ← لِنُعَامِلِ الْأَطْفَالَ جَيِّدًا.

(خرداد خارج ۱۴۰۲)

۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الْأَعْيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ.

(دی ۱۴۰۱)

۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَذَكَّرَ دَرَسَهُ.

(دی ۱۴۰۰)

۵. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدَ.

(خرداد خارج ۹۹)

۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لِنَمْتَنِعَ.

(آذر ۱۴۰۱)

۷. نَجَّحَ (موفق شد) ← لِيُنَجِّحَ.

(شهریور ۹۸)

۸. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدَ.

(دی ۹۹)

۹. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلَ.

پاسخ سؤالات

۱. باید گوش فرا بدهد (ل + فعل مضارع غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعَ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)
۲. باید رفتار کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نُعَامِلُ) ← لِنُعَامِلُ (امر غایب) ← باید + مضارع التزامی)

- فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلَ الطُّفْلُ طَعَامَهُ. کودک غذایی را خورد.



- تشخیص فعل ماضی مجهول ← حرف ما قبل آخر: کسره (ِ)
- ← حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ُ)

◀ كَتَبَ مجهول ← كَتَبَ (نوشته شد)

◀ اِكْتَسَبَ مجهول ← اِكْتَسَبَ (به دست آورده شد)

- تشخیص فعل مضارع مجهول ← حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)
- ← حرف مضارعه: ضمه (ُ)

◀ يَكْتُبُ مجهول ← يَكْتُبُ (نوشته می‌شود)

- در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می‌کنیم.

نُصِبَ لَهُ مَبْنًى. منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

- در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می‌شود» و مشتقات آن استفاده می‌کنیم.

عِنْدَ الشُّدَايِدِ يَعْزَفُ الْإِخْوَانُ. هنگام سختی‌ها، برادران شناخته می‌شوند.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. مَنَعَ (منع کرد) ← ما مَنَعَ المَرِيضَ عَنِ الأَكْلِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۲. سَأَلَ (سؤال کرد) ← سَأَلَ المُدِيرُ: أ في المَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۳. عَفَرَ (آمرزید) ← لا يَغْفِرُ المُحْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)
۴. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)
۵. قَطَعَ (برید) ← ما قَطَعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۶. عَفَرَ (آمرزید) ← لا يَغْفِرُ. (آذر ۱۴۰۰)
۷. «نَزَلَ المَلَأَكَةُ تَنْزِيلًا»
 ۱) فرود آورده شدند
 ۲) فرود آورده می شوند
 ۳) فرود آمدند

يا أختي الكريمة أحسني إلى المساكين. ای خواهر بخشنده ام به بیچارگان نیکی کن.

فعل «أَحْسَنِي» امر از «تُحْسِنِينَ» می باشد و ریشه فعل «حَسِنَ» هست، پس «نون» جزو ریشه اصلی فعله و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ي» ضمیر متصل فاعلی هست.

لا يَحْزُنُنِي (مرا غمگین نمی کند)

«ن» دوم وقایه است و ضمیر «ي» مفعول است و «مرا» ترجمه می شود.

أَعْنِي (کمکم کن، به من کمک کن) ← أَعْنِ (فعل امر) + ن + ي (أَعْنِي) بنابراین با توجه به «ن» متوجه می شویم که نون دوم وقایه است. (عَوْنٌ)

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالية:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطُّلابُ سَاعَدُونِي. (دی ۱۴۰۱)
۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامَلْنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۳. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظْتَنِي إِيْمَانِي. (خرداد ۹۹)
۴. تَذَكَّرَ (به یاد آوردن) ← تَذَكَّرْتَنِي جَدَّتِي. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعَدْنِي. (دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← رَجَاءٌ سَاعَدُونِي. (خرداد خارج ۹۸)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُم سَاعَدُونِي. (دی خارج ۹۸ - تیر ۹۸)

پاسخ سؤالات

۱. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۲. با من رفتار کن (عَامَلَ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۳. مرا حفظ کرده است (قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۴. مرا یاد کرد (تَذَكَّرْتَ (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۵. به من کمک کن (سَاعَدَ (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۶. به من کمک کنید (سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))
۷. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل))

پاسخ سؤالات

۱. منع نشد («ما مَنَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۲. سؤال شد («سُئِلَ»: فعل ماضی مجهول است.)
۳. آمرزیده نمی شود («لا يَغْفِرُ»: فعل مضارع منفی مجهول است.)
۴. آفریده شد («خُلِقَ»: فعل ماضی مجهول است.)
۵. بریده نشد («ما قَطَعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۶. آمرزیده نمی شود («لا يَغْفِرُ»: فعل مضارع منفی مجهول است.)
۷. گزینه «۱»: فرود آورده شدند («نَزَلَ» فعل ماضی مجهول است.)

نون وقایه



- هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ي» متصل شود میان نشان «نون» می آید که به آن «وقایه» گفته می شود.
- ضمیر متصل «ي» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می شود.
- اَرِشِدْنِي ← مرا راهنمایی کن.
فعل + ن + ي

ماضی / مضارع / امر + ن + ي

← ترجمه ضمیر «ي» (به من، مرا)

فعل هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن هاست مانند «يَحْزُنُ، سَكَنَ، يَفِنَ، حَسِبَ و ...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

لا تَحْزُنُنِي (غمگین نشو)

«ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ي» مفعول ترجمه نمی شود؛ بلکه فاعل هست.

قسمت ۳

تمارین کتاب درسی

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) رَجَاءٌ، أُكْتُبَنَّ حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِيكَ.	۱) لطفاً حَلَّ پرسش‌ها را با هم‌کلاسی‌هایتان بنویسید.
ب) إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضِيحُ حَطَّكَ قَبِيحاً.	۲) اگر با عجله بنویسی خطت زشت خواهد شد.
ج) أُرِيدُ أَنْ أُكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الدُّرِّيَّاتِ.	۳) می‌خواهم [که] خاطره‌ای در دفترِ خاطرات بنویسم.
د) لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	۴) [انسان] خردمند، روی آثارِ تاریخی نخواهد نوشت.
ه) إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.	۵) قطعاً او اندیشه‌هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
و) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِيبَهُ.	۶) هنگامی که او را دیدم، تمرینش را می‌نوشت.
ز) قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.	۷) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد (شاید بنویسد).
ح) يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟	۸) ای دانش‌آموزان، چرا ترجمه را نمی‌نویسید؟
ط) رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.	۹) لطفاً روی جلدِ کتاب ننویسید.
ی) هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِصَدِيقَتِهَا.	۱۰) او نامه‌ای به دوستش نوشته است.
ک) لِنَكْتُبَ جُمَلًا جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.	۱۱) در دفترهایمان جمله‌هایی زیبا باید بنویسیم.
ل) أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.	۱۲) من دیروز تکلیف‌هایم را ننوشتم (ننوشته‌ام).
م) مَا كَتَبْنَا شَيْئًا عَلَى الْجِدَارِ.	۱۳) روی دیوار چیزی ننوشتیم.
ن) كُتِبَ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.	۱۴) حدیثی روی تخته نوشته شد.
س) كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجْوِبَةَ.	۱۵) جواب‌ها را می‌نوشتند.
ع) كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرَسَهُمْ.	۱۶) درسشان را نوشته بودند.
ف) يَكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ.	۱۷) متنی کوتاه نوشته می‌شود.

نکات ترجمه

۱) «أَكْتُبَنَّ» فعل امر از «تَكْتُبَنَّ» است.	۹) «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُوا) ← نهی
۲) «إِنْ؛ اگر» ← ادات شرط / «تَكْتُبُ» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود.	۱۰) قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی نقلی
۳) أَنْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← مضارع التزامی	۱۱) لِ (امر) + فعل متکلم (تَكْتُبُ) ← لِنَكْتُبُ ← باید + مضارع التزامی
۴) لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَنْ يَكْتُبُ ← (مستقبل منفی)	۱۲) لَمْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← لَمْ أَكْتُبُ ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۵) سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل	۱۳) مَا + فعل ماضی (كَتَبْنَا) ← ماضی منفی
۶) كَانُ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← ماضی استمراری	۱۴) «كُتِبَ» بر وزن «فُعِلَ» فعل ماضی مجهول است.
۷) قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۱۵) كانوا + فعل مضارع (يَكْتُبُونَ) ← ماضی استمراری
۸) «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُونَ) ← مضارع منفی	۱۶) كانوا + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبُوا) ← ماضی بعید
	۱۷) «يُكْتُبُ» بر وزن «يُفْعَلُ» فعل مضارع مجهول است.

الدَّرْسُ الثَّانِي | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	<p>۱ قَدْ كُتِبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شد.</p> <p>۲ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ چرا درست را نمی نویسی؟</p> <p>۳ أَنْتِ لَمْ تَكْتُبِي شَيْئًا: تو چیزی را ننوشتی (تو ننوشته ای)</p>
ب) تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد	<p>۴ الصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p> <p>۵ رَجَاءٌ تَكَاتَبَا: لطفاً با یکدیگر نامه نگاری کنید.</p> <p>۶ تَكَاتَبَ الزَّمِيلَانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p>
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	<p>۷ مَنَعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم.</p> <p>۸ لَا تَمْنَعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).</p>
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	<p>۹ لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد.</p> <p>۱۰ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید.</p> <p>۱۱ كَانَ الْحَارِثُ قَدِ امْتَنَعَ عَنِ التَّوَمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.</p>
هـ) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	<p>۱۲ لِمَ مَا عَمِلْتُمْ يَوْجِبَاتِكُمْ؟ چرا به وظایفتان عمل نکردید؟</p> <p>۱۳ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟</p>
و) عَامَلَ: رفتار کرد	<p>۱۴ إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن.</p> <p>۱۵ إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگری ات با ما رفتار نکن.</p> <p>۱۶ كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَيِّدًا: به خوبی با ما رفتار می کردند.</p>
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	<p>۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد)</p> <p>۱۸ ذُكِرْتَ بِالْخَيْرِ: به نیکی یاد شدی.</p> <p>۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد دانش آموزان قدیمش را یاد می کند. (شاید ... یاد بکند)</p>
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	<p>۲۰ جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدربزرگ و مادربزرگ مرا به یاد آوردند.</p> <p>۲۱ سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدْرَسُ: معلم ما را به یاد خواهد آورد.</p> <p>۲۲ لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: همکلاسی ام، تو را به یاد نمی آورم.</p>

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول	۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُمْ) ← ماضی منفی
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبِينَ) ← مضارع منفی	۱۳ «تَعْمَلُونَ» فعل مضارع جمع مذکر مخاطب است.
۳ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبِي) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۱۴ «عَامِلٌ» فعل امر از باب «فَاعِلَةٌ» است.
۴ «تَكَاتَبَا» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۵ «لا» ی نفی + فعل تغییر یافته مضارع (تُعَامِلُ) ← نفی
۵ «تَكَاتَبَا» فعل امر از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۶ كانوا + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← ماضی استمراری
۶ «تَكَاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۷ قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۷ «مَنَعْتُ» فعل ماضی مجهول است.	۱۸ «ذُكِرْتَ» فعل ماضی مجهول است.
۸ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْنَعُ) ← نفی	۱۹ قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می شود.
۹ لَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← مستقبل منفی	۲۰ فعل ماضی از باب «تَفَعَّلُ» + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُوا) ← نفی	۲۱ سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل
۱۱ كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید	۲۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثَّالِثُ | التَّمْرِينُ السَّادِسُ

الف) عَلِمَ: دانست	۱ سَيَعْلَمُونَ: خواهند دانست
ب) انْتَقَلَ: جابه جا شد	۲ لَا يَنْتَقِلُ: جابه جا نمی شود ۳ رَجَاءً، انْتَقِلُوا: لطفاً جابه جا شوید ۴ لَنْ يَنْتَقِلَ: جابه جا نخواهد شد
ج) أَرْسَلَ: فرستاد	۵ لَا تُرْسِلُ: نفرست ۶ أُرْسِلُ: بفرست
د) عَبَدَ: پرستید	۷ أُعْبَدُونِي: مرا پرستید
ه) سَاعَدَ: کمک کرد	۸ رَجَاءً، سَاعِدُونِي: لطفاً به من کمک کنید ۹ هُمْ سَاعَدُونِي: آنها به من کمک کردند
و) طَبَخَ: پخت	۱۰ طَبَخَ: پخته شد
ز) تَكَلَّمَ: سخن گفت	۱۱ التَّكَلَّمَ: سخن گفتن ۱۲ نَتَكَلَّمُ: سخن می گوئیم ۱۳ تَكَلَّمْنَا: سخن گفتیم

نکات ترجمه

- ۱ س + فعل مضارع (يَعْلَمُونَ) ← مستقبل
- ۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مضارع منفی
- ۳ فعل امر از باب «إفْتَعَال» ← صيغهُ جمع مذکر مخاطب
- ۴ لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلَ) ← مستقبل منفی
- ۵ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی
- ۶ فعل امر از باب «إفْعَال» صيغهُ مفرد مذکر مخاطب
- ۷ فعل امر (أُعْبَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۸ فعل امر (سَاعِدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۹ فعل ماضی (سَاعَدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
- ۱۰ فعل ماضی مجهول
- ۱۱ مصدر باب «تَفَعَّل»
- ۱۲ فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»
- ۱۳ فعل ماضی، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

۱	مضارع تَدَكَّرَ (به یاد آورد):	<input type="radio"/> يَتَدَكَّرُ	<input type="radio"/> يَدَكَّرُ	<input type="radio"/> يَدْكُرُ
۲	مصدر عَلَّمَ (یاد داد):	<input type="radio"/> عَلَّمَ	<input type="radio"/> تَعْلِيمٌ	<input type="radio"/> تَعَلَّمَ
۳	ماضی مُجَالَسَةٌ (همنشینی کردن):	<input type="radio"/> جَلَسَ	<input type="radio"/> أَجْلَسَ	<input type="radio"/> جَالَسَ
۴	مصدر انْقَطَعَ (بریده شد):	<input type="radio"/> انْقَطَعَ	<input type="radio"/> تَقَطَّعَ	<input type="radio"/> تَقَاعَ
۵	امر تَقَرَّبَ (نزدیک شد):	<input type="radio"/> تَقَرَّبْ	<input type="radio"/> قَرَّبْ	<input type="radio"/> اقْتَرِبْ
۶	مضارع تَقَاعَدَ (بازنشست شد):	<input type="radio"/> يُقَاعِدُ	<input type="radio"/> يَتَقَاعَدُ	<input type="radio"/> يَفْتَعِدُ
۷	امر تَمَنَّعَ (خودداری می‌کند):	<input type="radio"/> امْنَعْ	<input type="radio"/> مانع	<input type="radio"/> امْتَنِعْ
۸	ماضی يَسْتَخْرِجُ (خارج می‌کند):	<input type="radio"/> أَخْرَجَ	<input type="radio"/> تَخْرَجَ	<input type="radio"/> اسْتَخْرَجَ
۹	وزن اِسْتَمَعَ:	<input type="radio"/> اِسْتَمَعَلْ	<input type="radio"/> اِسْتَمَعَلْ	<input type="radio"/> اِسْتَمَعَلْ
۱۰	وزن اِنْتَهَرَ:	<input type="radio"/> اِنْتَهَلْ	<input type="radio"/> اِنْتَهَلْ	<input type="radio"/> اِنْتَهَلْ

پاسخ

۱	تَدَكَّرَ ماضی باب «تَفَعَّلَ» است و مضارع آن بر وزن «يَتَفَعَّلُ» و به صورت «يَتَدَكَّرُ» می‌آید.	<input checked="" type="checkbox"/> يَتَدَكَّرُ ✓
۲	عَلَّمَ ماضی باب «تَفْعِيل» بوده و مصدر آن بر وزن «تَفْعِيل» و به صورت «تَعْلِيم» می‌آید.	<input checked="" type="checkbox"/> تَعْلِيمٌ ✓
۳	مُجَالَسَةٌ مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» بوده و ماضی آن بر وزن «فَاعَلَ» و به صورت «جَالَسَ» می‌آید.	<input checked="" type="checkbox"/> جَالَسَ ✓
۴	انْقَطَعَ ماضی باب «اِنْفِعَال» بوده و مصدر آن به صورت «اِنْقِطَاع» است.	<input checked="" type="checkbox"/> انْقِطَاعٌ ✓
۵	تَقَرَّبَ ماضی باب «تَفَعَّل» بوده و امر آن بر وزن «تَفَعَّل» و به صورت «تَقَرَّبْ» می‌آید.	<input checked="" type="checkbox"/> تَقَرَّبْ ✓
۶	تَقَاعَدَ ماضی باب «تَفَاعُل» بوده و مضارع آن بر وزن «يَتَفَاعَلُ» و به صورت «يَقَاعَدُ» است.	<input checked="" type="checkbox"/> يَقَاعَدُ ✓
۷	تَمَنَّعَ مضارع باب «اِنْتِهَال» بوده و امر آن بر وزن «اِنْتَهَلْ» و به صورت «امْتَنِعْ» می‌آید.	<input checked="" type="checkbox"/> امْتَنِعْ ✓
۸	يَسْتَخْرِجُ مضارع باب «اِسْتِئْجَال» بوده و ماضی آن به صورت «اسْتَخْرَجَ» می‌آید.	<input checked="" type="checkbox"/> اسْتَخْرَجَ ✓
۹	اِسْتَمَعَ بر وزن «اِفْتَعَلَ» از باب «اِفْتِعَال» و به معنای «گوش فرا داد» است.	<input checked="" type="checkbox"/> اِفْتَعَلَ ✓
۱۰	اِنْتَهَرَ بر وزن «اِفْتَعَلَ» از باب «اِفْتِعَال» و به معنای «انتظار کشید، منتظر شد» است.	<input checked="" type="checkbox"/> اِفْتَعَلَ ✓

قسم ۳

سوالات امتحانی ترکیبی

الف دی ماه ۱۴۰۲ (۲ نمره)

- تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.
- عَلِمَ: دانست
- ۱ عَلِمَتِ الْأَسْرَارَ.
- لَعِبَ: بازی کرد
- ۲ لَا تَعْلَمُونَ الدُّرُوسَ الْمَاضِيَةَ.
- ۳ سَيَلَعَبُ الْفَرِيقَانِ.
- سَمَحَ: اجازه داد
- ۴ لَا يَلْعَبُ الطُّفْلُ فِي الشَّارِعِ.
- ۵ لَا تَسْمَحِي الْخُرُوجَ مِنَ الصَّفِّ.
- ۶ لَمْ نَسْمَحْ لِلنَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا.
- قَفَرَ: پرید
- ۷ مَا قَفَرْتُ مِنَ الطَّائِرَةِ.
- ۸ الْبُومَةُ وَالْحَفَاشُ يَقْفِرَانِ فِي اللَّيْلِ.

ب شهریور ماه ۱۴۰۲ (۲ نمره)

- تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.
- تَكَلَّمَ: سخن گفت
- ۹ زَجَاءً، تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ.
- اسْتَمَعَ: گوش داد
- ۱۰ أَحِبُّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
- ۱۱ لَيْسْتَمِعُ كُلَّ طَالِبٍ إِلَى كَلَامِ مُعَلِّمِهِ.
- مَنَعَ: منع کرد
- ۱۲ الْوَلَدُ كَانَ قَدْ اسْتَمَعَ نَصِيحَةَ أَبِيهِ.
- ۱۳ مَا مَنَعَ الْمَرِيضَ عَنِ الْأَكْلِ.
- ۱۴ لَا تَمْنَعُونَا عَنِ الْخُرُوجِ.
- ۱۵ زُملاني فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا حَامِداً.
- ۱۶ الْحَاجُّ سَبَعَ مَرَّاتٍ حَوْلَ بَيْتِ اللَّهِ.
- ۱ (۱) حَضَرَ
- ۲ (۲) حَضَرُوا
- ۳ (۳) حَضَرْنَ
- ۱ (۱) تَطَوَّفَ
- ۲ (۲) يَطْوِفُونَ
- ۳ (۳) يَطْوِفُ

ج خرداد ماه ۱۴۰۲ (۲ نمره)

- تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.
- سَأَلَ: سؤال کرد
- ۱۷ أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟
- ۱۸ سَأَلَ الْمُدِيرُ أَيْ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟
- ۱۹ الطُّلَّابُ قَدْ يَجْتَهِدُونَ فِي الصَّفِّ.
- ۲۰ هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا.
- ۲۱ أَكْرَمُوا الشُّهَدَاءَ.
- ۲۲ لِنُكْرِمَ وَالِدَيْنَا.

● اِنْتَجِبِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.

- ۲۳ شَبَابْنَا عَلِمَ اِیْرَانَ فِی الْمُبَارَاةِ. ○ (۱) رَفَعُوا ○ (۲) رَفَعَتْ ○ (۳) رَفَعَ
- ۲۴ الْاِتَاژَ الْقَدِیْمَةَ اِهْتِمَامَ الْاِنْسَانِ بِالْاِدِّیْنِ. ○ (۱) تُؤَكِّدُ ○ (۲) یُؤَكِّدُونَ ○ (۳) یُؤَكِّدُ

د دی ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

● تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

● تَعَلَّمْ: يَادْ كَرَفْت

- ۲۵ رَجَاءٌ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. ○ (۲۶) التَّلَامِيذُ قَدْ يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. ○ (۲۷) الْكِسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ.

● سَاعَدَ: كَمَكْ كَرْد

- ۲۸ الطَّلَابُ سَاعَدُونِي. ○ (۲۹) الْأَغْنِيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. ○ (۳۰) سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ.

● كَتَبَ: نُوشت

- ۳۱ الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. ○ (۳۲) التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ.

ه شهريرورماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

● تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

● اِسْتَعَانَ: يَارِي جِسْت

- ۳۳ «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» ○ (۳۴) «... اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ○ (۳۵) لَا تَسْتَعِينُوا اِلَّا بِاللّٰهِ.

● رَحُصَ: اِرْزَانَ شَد

- ۳۶ الْأَدَبُ لَنْ يَرُحُصَ إِذَا كَثُرَ. ○ (۳۷) أَشْعَارُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَحُصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.

● صَلَّحَ: تَعْمِيرْ كَرْد

- ۳۸ أَنَا فِي مَوْقِفٍ تُصْلِحُ الْحَافِلَاتِ. ○ (۳۹) هُوَ لَمْ يُصْلِحْ جِرَارَتَهُ. ○ (۴۰) كَانُوا يُصْلِحُونَ السَّيَّارَةَ.

9 خردادماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

● تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

● تَقَرَّبَ: نَزْدِيكْ شَد

- ۴۱ سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. ○ (۴۲) هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ. ○ (۴۳) لَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ.

● أَرْسَلَ: فَرِسْتَاد

- ۴۴ لَا تُرْسِلْ رِسَالَةً. ○ (۴۵) لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. ○ (۴۶) هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ.

● اِمْتَنَعَ: خُودداری كَرْد

- ۴۷ الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. ○ (۴۸) مِنْ فَضْلِكَ اِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.

ز دی ماه ۱۴۰۰ (۲ نمره)

● تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

● عَفَرَ: آمَرْزِيد

- ۴۹ لَا يُعْفَرُ الْمُخْطِئُ. ○ (۵۰) قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ.

● تَدَكَّرَ: بَه يَادْ آوَرْد

- ۵۱ مَا تَدَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. ○ (۵۲) سَتَتَدَكَّرُ الدَّرْسَ. ○ (۵۳) لِيَتَدَكَّرَ دَرْسَهُ.

● سَاعَدَ: كَمَكْ كَرْد

- ۵۴ لَنْ أَسَاعِدَهُمْ فِي الذَّنْبِ. ○ (۵۵) هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا. ○ (۵۶) رَجَاءُ! سَاعِدْنِي.

بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
۱/۷۵ نمره	۱/۲۵ نمره	۵/۵ نمره	۹/۵ نمره	۲ نمره

ترجمه و درک مطلب

۵/۰ نمره

انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله



۷ نمره

ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی



۱ نمره

درک مطلب یا صحیح و غلط



۱ نمره

تکمیل ترجمه ناقص



بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
۱/۷۵ نمره	۱/۲۵ نمره	۵/۵ نمره	۹/۵ نمره	۲ نمره

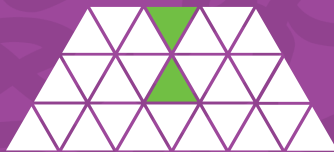
واژگان

نوشتن مفرد یا
جمع اسم

۱۷۵/۰ نمره
مترادف و متضاد



۵/۰ نمره



۱ نمره
نوشتن معنای چهار کلمه
داخل جمله از عربی به
فارسی

۱ نمره
پر کردن جاهای
خالی با کلمات مناسب
یا توضیح کلمات



۲ نمره
تشخیص و ترجمه
اسم فاعل، مفعول،
مبالغه، مکان و
تفضیل



۲۵/۰ نمره
تشخیص کلمه
ناهماهنگ از نظر معنا

بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
نمره ۱/۷۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۵/۵	نمره ۹/۵	نمره ۲

قواعد

نمره ۰/۲۵
حال

نمره ۰/۲۵
مفعول مطلق

نمره ۰/۲۵
مستثنی

نمره ۰/۲۵
نوع مفعول مطلق

نمره ۰/۲۵
مستثنی منه



بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
نمره ۱/۷۵	نمره ۱/۲۵	نمره ۵/۵	نمره ۹/۵	نمره ۲

تحلیل صرفی و محل اعرابی

